

والفجر ۸ به میدانی برای درخشش قاسم سلیمانی و اثبات توانایی‌های او تبدیل شد.

در عملیات فاو شاهد ابتکار او در طرح‌ریزی و اجرا هستیم. در فاو نگران بودم که آیا قاسم سلیمانی می‌تواند بخوبی از جبهه اول عبور کند و خود را به جبهه دوم برساند. ابتکار عملی که به خرج داد، این بود که یک گردان را مثل پیکان در وسط گذاشت و دو سه گردان را چپ و راست گذاشته بود. به گردان وسط گفته بود متوقف نشود، در شهر هم نماند، مستقیم به سمت جبهه بعدی برود و به گردان‌های دیگر گفته بود شما سواحل را پاکسازی کنید که راه عبور لشکر فراهم بشود. این یک ابتکار عمل بسیار راهگشا بود که قاسم سلیمانی انجام داد.

برجسته‌ترین ویژگی برادرمان قاسم سلیمانی و اکثر فرماندهان لشکرهای سپاه، بعد از مسأله ایمان و شهادت‌طلبی، ویژگی «مبتکر بودن» و «نوآوری» بوده است؛ نوآوری در همه زمینه‌ها و همه سطوح؛ نوآوری در عملیات، در شناسایی، در سازماندهی، در انتخاب منطقه نبرد و در غافلگیری دشمن. همان‌طور که ایمان در تمام تار و پود فرماندهان ما حضور داشت، نوآوری و ابتکار هم در رگ‌های آنها جریان داشته است. یکی از عوامل انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری بسیار بالای فرماندهان و رزمندگان سپاه، همین ظرفیت فکری و نوآوری آنها بوده است.

بعد از عملیات والفجر ۸، در عملیات کربلای ۴ و ۵ هم شاهد درخشش قاسم سلیمانی بودیم. کربلای ۴ و ۵ دو مرحله از یک عملیات به هم پیوسته بود. قاسم سلیمانی در هر دو مرحله این عملیات حضور داشت. در مرحله اول (کربلای ۴) باید در غرب خرمشهر از ارون‌درد عبور می‌کرد، از جزیره بلجانیه می‌گذشت، وارد ساحل عراق می‌شد، از یک واحد پتروشیمی عراقی و شهرک خانه‌های سازمانی آن که در ساحل بود عبور می‌کرد، خود را به جاده بصره و فاو می‌رساند و به این ترتیب نیروهای دشمن که حدود ۳۰۰۴۰ هزار نفر و روی این جاده از جنوب بصره تا فاو بودند، محاصره می‌شدند. البته تنها قاسم سلیمانی نبود، حسین خرازی، احمد کاظمی، آقای رئوفی و همه تیپ‌ها و لشکرها قصد داشتند که اگر بتوانیم از ارون‌د عبور کنیم، دیگر از شمال ارون‌د به سمت بصره برویم. ما همه نیروهایمان را از جنوب بصره بفرستیم. اگر نتوانستیم از جنوب ارون‌د به سمت بصره نفوذ کنیم، آن موقع نیروهایمان را از شمال ارون‌د به سمت بصره ببریم. دقیقاً مشخص نبود که آیا جنوب ارون‌د به ما این امکان را

می‌دهد به سمت جنوب بصره برویم یا از سمت شمالی ارون‌د می‌شود به شمال بصره رسید. لذا هر دو مدل در طراحی عملیات مدنظر قرار گرفت. امید ما بیشتر بر این بود که از جنوب ارون‌د عبور کنیم، چون این مسیر دو مزیت داشت؛ یکی اینکه جبهه فاو کامل می‌شد، دیگر اینکه وارد بصره می‌شدیم. ولی اگر از مسیر شمال ارون‌د به سوی شمال بصره می‌رفتیم- که بعداً ناچار شدیم همین کار را بکنیم- باز هم نیروهای بعثی که از بصره تا فاو بودند، هر لحظه می‌توانستند فاو را تهدید کنند. ما با عبورمان از ارون‌د می‌خواستیم هم جبهه فاو را- که در تصرف ما بود- تقویت کنیم، هم دستاورد دیگری را به آن اضافه کنیم و تسلطی بر بصره و اطراف آن داشته باشیم. لذا بیشتر تمایل ما عبور از جنوب ارون‌د و حرکت به سوی جنوب بصره بود. ولی همزمان به دو سه یگان مأموریت داده بودیم که هم مسیر شلمچه را باز کنند و هم از مسیر شلمچه و هم از شمال ارون‌د به سمت شمال بصره پیشروی کنند. در واقع دو نیروی عمده داشتیم. نیروی اول که حدود یک سوم نیروهای ما می‌شد، از شمال ارون‌د به سمت شمال بصره عمل می‌کرد، نیروی دیگر که حدود دو سوم نیروهای ما بود، از جنوب ارون‌د به سوی جنوب بصره پیشروی می‌کرد. برادرمان قاسم سلیمانی هم در جنوب ارون‌د عمل می‌کرد.

قاسم سلیمانی و رزمندگان تیپ ۴۱ ثارالله تقریباً قبل از اینکه آفتاب طلوع کند، پیشروی‌های بسیار خوبی داشتند و شاید بتوانیم بگوییم تیپ ۴۱ ثارالله نسبت به تیپ‌های دیگر، بسیار موفق‌تر عمل کرد.

وقتی که مشکلاتی در اجرای عملیات پیش آمد، به همه نیروها عقب‌نشینی دادیم و همه فرماندهان را خواستیم. دوباره همان ابهامات و تردیدهایی که بعد از بدر و خیبر پیش آمده بود، مطرح شد. آقای هاشمی هم به ابهام رسیده بود و دچار تردید شده بود. همراه با فرماندهان ارتش، جلسه‌ای با آقای هاشمی ترتیب داده بودیم، ایشان وقتی که همه صحبت‌ها تمام شد و دید هنوز بعضی از برادرهای ارتش و سپاه شک دارند، گفت حالا که این طور است باید یک رأی‌گیری بکنیم. من در این لحظه مداخله کردم و گفتم آقای هاشمی اینجا مجلس نیست، جناب‌عالی رئیس مجلس هستند و رأی‌گیری می‌کنید. اینجا فرماندهی است. بگوییم این آقایان بیرون بروند و استراحت کنند، من و شما می‌نشینیم و تصمیم می‌گیریم. اگر قرار شد عمل کنیم، به ایشان می‌گوییم. اگر هم قرار شد عمل نکنیم، همین را اعلام می‌کنیم. آقای هاشمی کمی مقاومت کرد. شاید آقای حسن روحانی هم در این جلسه بود چون آقای حسن روحانی عملاً مشاور آقای هاشمی در مسائل نظامی بود. آقای عبدالله نوری هم کارهای لجستیکی و مالی را برای آقای هاشمی انجام می‌داد. به هر ترتیب، من و آقای هاشمی تصمیم را گرفتیم و فرماندهان را صدا زدیم. جلسه مجدداً با حضور همه فرماندهان لشکرها تشکیل شد آقای هاشمی به ایشان گفت من می‌روم اهواز، برادر محسن اینجا می‌مانند. اگر تصمیم گرفت که عملیات بشود، عملیات می‌شود و اگر هم تصمیم غیر از این شد که عملیات نشود. این جلسه، تقریباً آخرین جلسه مهم قبل از عملیات بود.

در مرحله دوم عملیات (کربلای ۴) هم- به تعبیر خود قاسم سلیمانی که کلمه «نوک» را زیاد به کار می‌برد- نوک پیکان عملیات کربلای ۵ به او و تیپ ۴۱ ثارالله داده شد؛ قاسم سلیمانی باید از آبگرفتگی بوارین عبور می‌کرد، از کانال ماهیگیری می‌گذشت، به کانال زوجی می‌رسید و اگر تیپ‌ها و لشکرهای

برجسته‌ترین ویژگی برادرمان قاسم سلیمانی و اکثر فرماندهان لشکرهای سپاه، بعد از مسأله ایمان و شهادت‌طلبی، ویژگی «مبتکر بودن» و «نوآوری» بوده است؛ نوآوری در همه زمینه‌ها و همه سطوح؛ نوآوری در عملیات، در شناسایی، در سازماندهی، در انتخاب منطقه نبرد و در غافلگیری دشمن. همان‌طور که ایمان در تمام تار و پود فرماندهان ما حضور داشت

